

کوتاه دبلماسی

پیگیری ترکیه و ایران برای سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایرانی

● **ایسنا:**سفر ترکیه در ایران گفت: مسئله ممانعت از سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایرانی در ترکیه از سوی عالی‌ترین مقامات دو کشور در حال پیگیری و تعیین راهکار است.دیرا اورس که در حاشیه دیدار هیئت گردشگری ترکیه از ایران گفت‌وگو کرد، با تأیید مشکل سوخت‌رسانی در کشورش به هواپیماهای ایرانی از زمان آغاز تحریم‌های آمریکا اظهار کرد: این مشکل از طرف بالاترین مقامات دو کشور در حال پیگیری است و درباره راهکارهایی صحبت شده است، اما من از جزئیات آن اطلاعی ندارم.
سفر ترکیه در ایران گفت: امیدوارم این مشکل در اسرع وقت حل شود.

امیر حاتمی:

زیر دریایی «فاتح» قابلیت شلیک موشک‌های کروز ضدکشتی را دارد

● **فارس:** وزیر دفاع با اشاره به ویژگی‌های زیردریایی فاتح گفت: نکته مهم این است که این زیردریایی علاوه بر قابلیت پرتاب از، توانایی شلیک موشک‌های کروز ضدکشتی را دارد که برای اولین‌بار در کشور انجام شده است.
امیر حاتمی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در مراسم رونمایی از زیردریایی فاتح و الحاق آن به ناوگان جنوب نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اظهار کرد: مسیر توسعه و پیشرفت صنعت دریایی ما در هر دو بخش شناوری، اعم از سطحی و زیرسطحی، اثرسطحی و تدررو و سامانه‌های سلاح و تجهیزات آنها به موازات هم طی شده است. در بخش اول که تا حد زیادی مشترک با صنعت دریایی غیرنظامی است، می‌توانیم به تجهیز ناوگان غیرنظامی هم کمک کنیم که به‌تازگی تولید ۴۴ فروند برای سازمان بنادر توافق شده، با برخورداری از عمق فناوری در این صنعت، به قابلیت طراحی و ساخت بومی شناورهای سطحی، زیرسطحی، اثرسطحی و تدررو دست یافته‌ایم و با هیچ گلواکه فناوریانه در این زمینه مواجه نیستیم.

ادامه از صفحه ۳

کار در کویت در دوران جنگ

اما بعد از مدتی او نقشه را از آتش برداشت و من هم این قضیه را چند جا بازگو کردم.
کمک‌های دولت کویت به رژیم صدام حسین
کویتی‌ها مجبور شده بودند بیشترین کمک‌ها را به رژیم عراق انجام دهند. آنها مبالغ نقدی به بعضی‌ها داده و بنادر و کشتی‌هایشان را در اختیار متجاوزان می‌گذاشتند.
همچنین رسانه‌های کویتی‌سی تماما در خدمت تبلیغات به نفع صدام بود. آنها همچنین با عدم اعطای اقامت به ایرانیان یا اخراج آنها از کویت، موجبات رنجش ایرانیان مقیم را ایجاد کرده بودند.

در این چارچوب با شیخ صباح الاحمد، وزیر امور خارجه و ماجد شاهین، قائممقام وزارت امور خارجه، ملاقات‌های مکرر به عمل آورده و آنها را نصیحت می‌کردم که به صدام و بعضی‌ها کمک نکنند؛ اما آنها همواره در پاسخ به مطالبات من می‌گفتند: «ما عربیم، کوچیکیم، ضعیفیم، همسایه‌ایم و تحت‌فشاریم؛ من نیز می‌گفتم: «شما که چنین هستید، به ما سنگ کوچک پرتاب کنید، ما تحمل می‌کنیم، اما اگر سنگ بزرگ پرت کنید، ممکن است زیرش بمایند». ماجد شاهین بارها این جمله را تکرار می‌کرد که ما (کویت) مانند کوخی در میان دو کاخ آتش‌گرفته هستیم. خاطرات دیدارهایم با شیخ صباح، وزیر امور خارجه خواندنی است.

موشک‌های سرگردان

اصابت چند موشک در مرداد و شهریور ۱۳۶۶ به کویت، مسئله‌ای جدی در روابط دوجانبه به وجود آورد.
خاطرم هست روزی گفتم به‌دلیل اصابت موشک به کویت، وزیر خارجه خواهان دیدار با من است. به دیدار شیخ صباح رفتم و برخلاف همیشه که استقبال خوبی می‌کرد، این‌بار عصبانی به نظر می‌رسید. بدون مقدمه گفت: «بین ما با چه می‌کنید؟ ما طرف جنگ با شما نیستیم، ولی شما ما را هدف موشک قرار می‌دهید». او همچنین اضافه کرد که موشک ایرانی به منطقه‌ای غیرمسکونی اصابت کرده که این اقدام شما را محکوم می‌کنیم. طبیعی بود که اصل اقدام را نپذیرم و خواستار اطلاعات بیشتر شوم. چند روزی از این ماجرا نگذشته بود که دومین موشک نیز به بخش دیگری از کویت اصابت کرد. بازم به وزارت امور خارجه احضار شده و با اعتراض وزیر روبه‌رو شدم. طبیعتا عدم پذیرش موضوع از سوی من تکرار شد، اما به شیخ صباح گفتم: «این همه کشتی جنگی (امریکایی و غربی) به آب‌های منطقه آورده‌اند، از کجا معلوم که از آنجا شلیک نشده باشد. حضور نیروهای نظامی اجنبی در منطقه به مصلحت هیچ‌کس از کشورهای منطقه نیست». بعدها مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه این نوع موشک‌ها را «موشک‌های سرگردان» نامید.

منبع: برش‌هایی از خاطرات محمدرضا باقری در کتاب «از طرابلس تا دمشق»

سعید حجاریان: به اعتقاد من، بهتر بود در مقاله «چهارراه اصلاح‌طلبی»، راه‌حل‌ها به صورت شماتیک و نمودار درختی از یکدیگر تفکیک می‌شدند و در نهایت از سه راهبرد عدم شرکت، سکوت و شرکت صحبت به میان می‌آمد و پس از آن وارد جزئیات می‌شدید. در دل سکوت، شرکت و عدم شرکت، فهرستی از راه‌های متفاوت قرار دارد که لزوما یکی محسوب نمی‌شوند و فواید و مضار آنها باید در مقایسه با یکدیگر مشخص شود.

علیرضا علوی‌تبار:پس شما معتقدید به‌جای چهار راه، ما تنها با سه راه مواجه هستیم.

حجاریسان: بله؛ چهارراه موجود در مقاله، عملا به سه راه تبدیل خواهد شد. نکته دیگر آنکه باید بحث‌ها دقیق‌تر تیریر شده و سپس نقد آغاز می‌شد. مطابق تقسیم‌بندی مقاله، راه اول سکوت به هر قیمت و راه دوم واگذاری انتخابات است؛ اما حالت میانه این دو، محفول مانده است. ببینید! می‌شود در انتخابات حاضر شد، ولی تنها از فرصت انتخابات استفاده کرد؛ زمان انتخابات فضا باز است، سیاسیون امکان سخنرانی دارند و احزاب می‌توانند سازمان حزبی خود را تقویت کنند. ذیل این راه‌حل می‌توانیم زمین سیاست را خالی نکنیم؛ اما لزوما سیاست‌مداران انتخاباتی هم تعریف نشویم؛ یعنی اساسا کاندیدا معرفی نکنیم. البته اگر نمایندگان شایسته‌ای انتخاب شدند، می‌توانیم از زبان و تریبون آنها سخن بگوییم، بی‌آنکه مسئولیتی متوجه اصلاح‌طلبی کنیم. این موضوع باید دقیقا تقرریر شده و بحث آن گشوده شود. تجربه مجمع روحانیون مبارز و سکوت آن در حافظه ماست. مجمع، سکوت کرد و از انتخابات کنار کشید؛ اما از فرصت انتخابات استفاده نکرد. درحالی‌که می‌توان سکوت کرد و از فرصت انتخابات استفاده کرد. پس باید سکوت را دو بخش کرد: سکوت از جنس «صبر و انتظار» و سکوت از جنس «فعالیات». از این گذشته، لازم است پروژه انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس و شورا را از یکدیگر تفکیک کنیم؛ درصورتی‌که در مقاله همه اینها خلط شده‌اند.

مهم‌تر از این، مسئله آقای تاجزاده صندوق رای است؛ اما مسئله من، صندوق و پس از صندوق است. تجربه نشان داده است اکتفا به صندوق به ضرر ما تمام شده است؛ مثلا در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶، تنها به صندوق توجه کردیم و فردای پس از انتخابات دیدیم چه شد. زمانی‌که موازنه قوا رعایت نشده باشد، می‌بینیم کابینه فشل می‌شود و وزرا فررار را برقرار ترجیح می‌دهند. پس باید مشخص کرد دفاع از صندوق رای، یعنی دفاع از فرصت یک‌ماهه یا دفاع از فرصت چهارساله، انتخاب‌ه‌ریک از این دو، دلتکیه‌ها و استراتژی‌ها را درگرو می‌کند.

مصطفی تاجزاده: انتخابات از نظر من سه مرحله است و هر مرحله حکمی جداگانه دارد. اولین مرحله، قبل از روز رأی‌گیری است؛ احزاب در این فرصت می‌توانند نیروهای خود را سازمان دهند، جذب نیرو و منابع مالی کنند و همچنین در سطح شهر با مردم ارتباط بگیرند. هر گروهی این پروسه را از دست بدهد، فارغ از اینکه در انتخابات نامزد معرفی کند یا نکند، رأی بدهد یا ندهد، متحمل خسارت بزرگی می‌شود.

پس همه اصلاح‌طلبان فارغ از موضعشان درباره روز انتخابات و حتی بعد از انتخابات، باید درباره مرحله اول به اجماع برسند. باید بین پیام تبلیغات انتخاباتی و روز

رای‌گیری تفاوت قائل شویم. این‌کار در مجلس هفتم صورت گرفت؛ نمایندگان اصلاح‌طلب ثبت‌نام کردند و پس از ردصلاحیت‌شدن، تحصن کردند. این استراتژی، مطابق تقسیم‌بندی من، از یک سو مقابل راه دوم یا همان تعلیق سیاست‌ورزی قرار می‌گیرد. **حجاریان:** من سر کلمه اجماع بحث دارم. آیا اجماع به جمع چندنفره ما راجع است؟ به نظر من این‌طور نیست. اصلاح‌طلبان طیف هستند. عده‌ای از آنها، بی‌قیدوشرط به سه مرحله انتخابات وارد می‌شوند. به بیان روشن‌تر، سه طیف سکوت و شرکت و عدم شرکت، در مرحله اول هم‌قدم هستند اما در دو مرحله بعد، بعضی هستند و ممکن است ما نباشیم.

پس معتقدم «ما» باید مشخص باشد. **تاجزاده:** «ما» همه را دربر می‌گیرد. البته هر کس قصد ورود به مراحل سه‌گانه انتخابات را دارد، باید ابتدا و انتهای عملش با یکدیگر هم‌خوان باشد. مثلا، من زمانی‌که از «مشارکت سیاست‌ورزی» دفاع می‌کنم، باید گفتمانی را ترویج کنم که در نتیجه آن، میان خودم و آنکه از شرکت به هر قیمت در انتخابات شرکت و شورای‌عالی یا دیگر احزاب و افراد یا عدم شرکت سخن می‌گوید، تفاوت معناداری به‌وجود بیاید.

حجاریان: این تفکیک همین امروز وجود دارد و مرز مشخص است.

تاجزاده: نه کلاما. بخشی می‌گویند از فرصت و فضای انتخابات باید استفاده کرد ولی بعضی می‌گویند از ابتدا همه چیز را واگذار کنیم.

حجاریان: کسی که سیاست را کاملا واگذار کند، گمان نمی‌کنم اصلاح‌طلب باشد.

تاجزاده: چنین افرادی با چنین دیدگاهی امروز در زمره اصلاح‌طلبان تعریف نمی‌شوند. مثلا یکی از

سیاست

حجاریان، علوی‌تبار و تاجزاده در میزگردی به این پرسش پاسخ می‌دهند

دموکراسی از صندوق رأی بیرون می‌آید؟



مهدی درپس‌پوز: **سعید حجاریان، علیرضا علوی‌تبار و مصطفی تاجزاده** در سلسله میزگردهایی که سایت «مشق‌نوا» برگزار می‌کند، این‌بار به بحث درباره مقاله «چهارراه اصلاح‌طلبی» پرداخته‌اند که تاجزاده چندی پیش آن را به نگارش درآورده بود. تاجزاده در آن مقاله تأکید خود را بر مسئله «انتخابات» قرار داده و در جان‌کلامش می‌گوید «هر نسلی، در جریان انتخابات، خود را و کشور و هویت و ملیت خود را تازه می‌کند و در معرض «نواقرینی» قرار می‌دهد؛ بنابراین باید انتخابات را به نحوی در معرض خلقی جدید قرار دهند که هر نسل به‌درستی احساس کند دارد نظام مد نظر خویش را از نو می‌سازد و سرنوشت کشور خویش را خود رقم می‌زند» و پس از آن درباره نحوه مواجهه با انتخابات و صندوق رأی سخن گفته و راهکارهای آن را برشمرده است. در این میزگرد نیز بحث حجاریان و علوی‌تبار با تاجزاده به فصل الخطاب قراردادن انتخابات از سوی تاجزاده سبry می‌شود. در جایی از بحث، تاجزاده بحث اصلی را معیشت عنوان می‌کند و **علوی‌تبار نیز انتخابات را تنها یکی از ارکان دموکراسی برمی‌شمرد؛** اما با تغییر فضا از **سوی حجاریان، بحث به سمت انحصار مرکز تقنینی به مجلس شورای اسلامی پیش می‌رود و به انتخابات مجلس و حضور در آن بازمی‌گردد.** نحوه حضور، ارائه برنامه، محتوای برنامه و مشارکت مشروط ازجمله مباحث مطرح‌شده هستند. **ماحصل این میزگرد را می‌خوانید:**

همین دوستان در یادداشتی توضیح داد سه جریان به استقرار جمهوری اسلامی یاری رسانده‌اند. مطابق این نگاه، اصلاح‌طلبان بخش مهمی از مسئله‌اند نه قسمت مهمی از راه‌حل. **حجاریان:** یادت می‌آید، سال ۹۰ همه ما به‌دنبال سکوت بودیم؟ خاتمی رای داد و همه شوکه شدیم. او به ما نگفت و گیر افتادیم. **تاجزاده:** من معتقدم خاتمی کار خوبی کرد که رای داد، همچنان‌که ما.

حجاریان: نمی‌شود هر دو راه خوب باشد!

تاجزاده: حالا که شده است. باید به جایگاه افراد توجه کرد و از یاد نبریم ما بنا داریم انتخابات به گونه‌ای باشد تا همه گرایش‌های مختلف فکری و سیاسی بتوانند در آن شرکت کنند. پس باید به‌گونه‌ای حرکت کنیم که هم از فرصت انتخابات که بهار سیاست‌ورزی است، استفاده کنیم و هم بتوانیم یک روز قبل از انتخابات بگوییم با وجود ردصلاحیت‌های گسترده رای نمی‌دهیم.

حجاریان: چرا این حرف‌ها در مقاله نیامده است؟! **تاجزاده:** در شماره دو «چهارراه اصلاح‌طلبان» می‌نویسم تا بحث ادامه پیدا کند. حال وارد مرحله دوم، یعنی روز رأی‌گیری بشویم. در اینجا سه مسیر پیش‌روی ماست. اول و بر اساس راه‌حل «شرکت در انتخابات به هر قیمت» –برای مجلس ۲۹۰ نامزد اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا و… معرفی می‌کنیم. دوم بگوییم مردم! ما همه تلاش‌مان را کردیم اما به دلیلی مانند ردصلاحیت مشارکت

کامل ما ناممکن است و اغلب داوطلبان تأیید شده یا قادر به حل مشکلات کشور نیستند، یا تفاوت معناداری با نامزدهای رقیب ندارد. پس، از معرفی نامزد خودداری می‌کنیم یا اساسا رای نمی‌دهیم. **حجاریان:** اینجا تبصره‌ای وجود دارد. بخشی نظارتی معمولا بعد از انتخابات به هر قیمت –برای مجلس ۲۹۰ –پس از معرفی یکانی ثبت‌نام‌کنندگان را نیمه بسمی می‌کند. عده‌ای را می‌زند و عده‌ای را می‌گذارد. یعنی

امکان موضع‌گیری دقیق را می‌گیرد. **تاجزاده:** این وضعیت به‌نظر من هم محتمل‌تر است. در این صورت حوزه‌ها را تفکیک می‌کنیم؛ در حوزه‌هایی که نامزدهای اصلی ما را حذف نکنند، وارد رقابت انتخاباتی می‌شویم و نمایندگان‌مان مطابق پلتفرم از پیش تعیین و اعلام‌شده چهار سال در پارلمان فعالیت خواهند کرد. **حجاریان:** باز هم شفاف نشد، «ما» یعنی چه کسانی؟ یقینن دارم بعضی احزاب مانند «دنا» و «اعتماد ملی» تحت هر شرایطی در انتخابات می‌مانند. **تاجزاده:** ایده‌آل من این است به اجماع برسیم. ولی اگر نرسیدیم باید به یک سؤال مهم پاسخ دهیم؛ آیا می‌خواهیم اجماع‌مان را ولو به قیمت کوتاه‌آمدن از مواضع انتخاباتی خود حفظ کنیم؟ اگر پاسخ مثبت باشد، با مشکلی مواجه نخواهیم شد. در غیر این صورت برای اولین بار اعلام خواهیم کرد، اما چنین بسیاری برای رسیدن به اجماع انجام دادیم اما چنین نشد. در نتیجه ما در انتخابات شرکت نمی‌کنیم و شورای‌عالی یا دیگر احزاب و افراد اصلاح‌طلب شرکت می‌کنند. البته می‌توان به راه میانه نیز فکر کرد. شورای‌عالی نامزد معرفی کند، اما پلتفرم و برنامه انتخاباتی‌ما را اعضا کنند و در پیشگاه مردم به آن متعهد شوند.

سومین مرحله، بعد از انتخابات است. برای اینکه فردای انتخابات، مجددا گفته نشود اختیارات افراد و نهادهای انتخابی کم است و قادر به حل مشکلات نیستیم، باید پلتفرم دقیقی تدوین و منتشر کنیم و به مردم بگوییم چنانچه اکثریت را در مجلس به دست آوریم، آنها را به قانون تبدیل می‌کنیم. اگر

این گفتمان انتخاباتی، پذیرفته‌ایم در فرایند دموکراتیزاسیون انتخابات مسئله اصلی است. درحالی‌که می‌توانستیم بر موارد دیگری تأکید کنیم. توجه کنید هرم دموکراسی چهار وجه دارد. وجه اول، انتخابات آزاد و منصفانه، وجه دوم، رعایت حقوق اساسی مردم، وجه سوم، گسترش و تقویت نهادهای مدنی و وجه چهارم، دولت محدود و پاسخ‌گو است. تأکید ما بر انتخابات و نادیده‌گرفتن دیگر وجوه عوارضی به دنبال دارد. من قصد ندارم ذهن‌خوانی کنم؛ اما منطق تأکید بر انتخابات را درک می‌کنم. یک لحظه فکر کنید، از این چهار وجه، وجهی دیگر، مثلا رعایت حقوق مردم برای ما اهمیت داشت. آن وقت چهارراه اصلاح‌طلبی سمت و سوی دیگری نمی‌گرفت؟ پس تأکید ما بر انتخابات تأیید سخن منتقدانی است که ما را اصلاح‌طلبان انتخاباتی می‌خوانند و می‌گویند جز انتخابات راه دیگری نمی‌شناسیم.

بعضی معتقدند معنای خوب پوپولیسم حضور مستقیم مردم است. اگر ما اصلاح‌طلبان بر حضور مستقیم مردم تأکید می‌کردیم، آن زمان اصلاح‌طلبان دو دسته می‌شدند، اصلاح‌طلبان در خیابان و اصلاح‌طلبان خارج از خیابان. منتقدان اصلاح‌طلب «عدم مشارکت» ما هیچ‌یک به استفاده از فرصت انتخابات شک ندارند و همه درباره بعد از انتخابات صحبت می‌کنند؛ یعنی می‌گویند اگر تمام کرسی‌های انتخاباتی را هم بگیرد، تغییری پدید نمی‌آید و تلاشی عبث صورت داده‌اید. آنها استدلال می‌کنند نباید در انتخابات شرکت کرد؛ چون اگر بیروز شویم، به دیوار سخت برخورد می‌کنیم و اگر شکست بخوریم، رقیب گمان می‌کند اکثریت را در اختیار دارد. البته اینها شاید پرسش همه کسانی است که در دولت فعالیت می‌کنند و نه بر دولت و هم‌زمان از تغییرات ساختاری دفاع می‌کنند. اکنون مشکل حزب کمونیست و حتی فاشیست فرانسه چیست؟ آنها در انتخابات کاندیدا دارند؛ اما می‌خواهند سیستم را عوض کنند. به نظر می‌آید گفتمان فراگیر جهان دموکراسی است و انتخابات

یا نشانه دموکراسی است یا نمایش آن. یعنی جهان به انتخابات نمی‌بینیم. غلبه این گفتمان برای نیروهای رادیکال فرصتی فراهم می‌کند تا از فضا استفاده کنند. با این وصف پرسشی پیش‌روی ماست. آیا می‌شود در مرحله نخست انتخابات شرکت کرد و نقد و تحلیل رادیکال ارائه داد؟ من معتقدم به محض رادیکال‌شدن شعارها بعضی سریع‌ا حساب خود را جدا می‌کنند؛ مثلا یکی از دوستان گفته بود آتیهایی که می‌گویند در هدف انقلابی و در روش اصلاح‌طلبانه، برانداز هستند؛ اما آن نقد را پاسخ دادم؛ اما چنین تفکراتی وجود دارد. حتی زمانی که نقدها را به سمتی ببریم، بعضی همراه نمی‌شوند. به خاطرم دارم دوره‌ای درباره ارکان اندیشه دموکراتیک صحبت می‌کردیم، بعضی دوستان صراحتا همراهی نکردند. به طور مشخص مسئولان دو حزب مطرح ما گفتند، این ارکان پذیرفتنی نیستند. ارکان اندیشه دموکراتیک اول، پذیرش اصل حاکمیت مردم است؛

یعنی مردم حق دارند حکومت را نصب، نقد و عزل کنند و نیز در امور عمومی تصمیم بگیرند. ثانیاً، برابری سیاسی شهروندان است؛ یعنی شهروندان مستقل از هر چیزی حقوق برابر دارند و در سیاست نمی‌توان برای افراد حق ویژه قائل شد. ثالثاً، حکمرانی اکثریت باید با رعایت حقوق اقلیت انجام بگیرد. با دومین رکن، تعدادی از دوستان همراهی نداشتند. از این گذشته، برای برخی قوانین قائل به

مشروعیت ابدی بودند. **حجاریسان:** من می‌خواهم قدری درباره مجلس صحبت کنم؛ بحثی که تا حد زیادی به انتخابات کارکرد آن تته می‌زند. آیا ما اکنون یک مجلس قانون‌گذاری داریم؟ **علوی‌تبار:** شما گفته بودید ۱۱ مرکز قانون‌گذاری **حجاریان:** بله، دقیقا. تغییرات مورد نظر آقای تاجزاده فقط معطوف به تغییر یک مجلس است. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص صلاحت، کمیته ۱۵ نفره، شورای نگهبان و… همه در حال تقنین‌اند و مجلس جزء کوچک و بعضا فرعی است. این قضیه درباره ریاست‌جمهوری محدود و شاید مسدود کنیم. این سنگ بزرگی است. آیا می‌شود با چهار نفر از فراکسیون امید و امثال آنها چنین کرد؟ در کشورهای دیگر، ما با یک مجلس قانون‌گذاری مواجهیم اما اینجا… .

تاجزاده: مشکل ما این است، خوب انتقاد می‌کنیم اما راه‌حل ارائه نمی‌دهیم. من هم می‌پذیریم درحال حاضر چنین و چند نهاد قانون‌گذاری داریم.

اما آیا راه‌حل این است پارلمان را –به‌عنوان دستاورد مشروطه– نفی کنیم یا از دست بکشیم؟ یا نقد درست شما را تبدیل به شعار انتخاباتی برای نفی این‌چندگانگی تقنینی و بی‌اختیاری قوه مجریه کنیم؟

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه اول

راهکار پول مجازی

پس ملی‌شدن برای سعادت مردم ایران بود نه برای حاکمیت دلار یا برای جمع‌شدن بیش از چهار میلیون نفر گرد کارمندی دولت و شاید به همین تعداد رانت‌خوار از بودجه‌های سالانه. مسلما منظور از واژه «سعادت» نزد رهبران نهضت و نسل آن روز توسعه، عزت، رفاه، استقلال برای نسل‌های آینده ایران و مباهی‌بودن ایرانیان در میان خانواده ملت‌ها بود.طرفداران اقتصاد دلاری مانع از تصحیح سازوکارهای گره‌زدن بهای نفت به هژمونی دلار هستند، مانع از بالارفتن شدت انرژی در اقتصاد ملی هستند، مانع از هدرسوزی گاز و موجب هدردادن درآمد‌های ناشی از فروش منابع انرژی هستند. مثلا قانون‌گذار تصویب کرد که ساختار مصرف انرژی اصلاح شود که قرار بود طبق ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولیدی بخش خصوصی ایرانی بتواند معادل صد میلیارد دلار به اضافه ۵۰ هزار میلیارد تومان، انباشت سرمایه از محل کاهش مصارف انرژی داشته باشد و از مصارف غلط انرژی، از هدرسوزی، سرمایه‌یابفریند. چگونه است که تارک‌خانه‌های بوروکراتیک اجازه نداده‌اند این قانون اجرا شود و بازخواستی هم در کار نیست؟! اکنون رویدادهای تحریم و توطئه علیه ملت ایران فرصت مناسبی برای استیفای منافع ملی ایران فراهم کرده تا از دیرویه شوم هژمونی دلار و در پی آن دروغ‌های «سازشکاری» غربی/ وهابی/ بگریزیم. مثلا وقتی آمریکا در تابستان ۱۹۷۱ یک‌طرفه و غیرقانونی از پیمان پرداخت‌های بین‌المللی (معروف به برتن وود) خارج شد، باید از دلاری‌مندن سیستم‌های پرداخت بین‌المللی هم خارج می‌شد. اما کشورهای صنعتی با همراهی صادرکنندگان بزرگ نفت به دلار وفادار ماندند و آمریکا را از پرداخت یک اونس طلا در برابر ۳۵ دلار رها کردند. از آن روز پشتوانه پرداخت‌های بین‌المللی چاپخانه فدرال رزرو آمریکا‌ست. اینکه امروز یک اونس طلا هارو ۲۰۰ دلار معامله می‌شود، نشان می‌دهد که ارزش این دلار کافیه دالما سقوط کرده و فقط نیم‌درصد بهای رسمی آن را دارد.حال راهکار خروج از بختک دلار، پناهربدن به مسیر غلط دیگری نیست. اینکه قیمت نفت خام را به دلار تعیین و در بورس انرژی ایرانی ارائه کنیم، همان کمک به نفت دلاری است. باید سازوکار را به هم زد و دلار را از بزرگ‌ترین ذخایر ملی زدود. درست است که بورس کالای برای معاملات نقطه و کشف قیمت‌هاست ولی بورس انرژی که در سازمان آن از روز نخست بخش خصوصی ایرانی را راه نداده، چگونه می‌تواند مشکل‌گشا شود؟

ذات نایافته از هستنی‌بخش/ کی‌تواند که شود هستنی‌بخش؟ این نویسنده در زمان تصدی امور اقتصادی وزارت معادن و فلزات اسبق برای نجات تولیدات مس، آلومینیوم، سرب، روی و فولاد از دست رانت‌خواران به رئیس‌جمهور وقت پیشنهاد کرد یک بورس فلزات ایجاد کنیم که مالا این بورس ایجاد شد و مدیرعامل وقت شرکت ملی فولاد، آقای مهندس احمد صادقی به ریاست آن برگزیده شد و با موفقیت ایشان دودانگی قیمت فلزات و رانت‌ها از بین رفت. متأسفانه این بورس بعدها گرفتار تغییر ساختار شد و به بورس کالا تبدیل شد که باز هم منافع رانت‌خواران را به جای کشف قیمت و شفافیت، تأمین می‌کند.به همین شکل بورس فعلی انرژی از مبارزه با انرژی دلاریزه عاجز است. اکنون با جهان‌رواشدن پول مجازی می‌توان بنگاه‌های بزرگ در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و برق را صادرکننده سکه انرژی کرد و از ایجاد ابزار پرداخت‌های داخلی به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی هم تعمیم داد و از جهان‌شمولی دروغین دلار گریخت. هفته گذشته، با پیش‌شدن کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران و با حضور یک کارشناس ایرانی امرشود مالی و پرداخت‌های انرژی از پول مجازی/ اعتباری انرژی –ENERGY CREDIT OBLIGA TION رونمایی شد. ایران با داشتن بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز و آفتاب دنیا، در دلارزدایی معاملات انرژی پیش‌قدم باشد. خوشبختانه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با استقبال از این الکو (پارادایم) برای خروج از چرخه معاملات دلاری، صدور پول مجازی توسط بنگاه‌ها را طی بخش‌نامه‌ای مجاز شمرده است. در کنفرانس (FINTECH) اتاق بازرگانی ایران، موضوع مالی پول مجازی با اعتبار انرژی ایرانی توسط پروفیسور کریس کوک ارائه شد. این پیشنهاد پارادایم سنتی بازار نفت فروشی ایرانی را که هویت بازرگران آن بر دستگاه‌های نظارتی و بالتبع بر مجلس و ملت پوشیده است، به چالش می‌کشد و اساس آن اعتبار کالایی است که از مصرف انرژی اولیه ناشی می‌شود. توسیعه این سیستم پرداخت اقتصاد انرژی ایران از خام‌فروشی به ارائه خدمات نهایی تبدیل می‌کند.

کشور ایران با موقعیت ژئواثرزی خود مشکلات انرژی همسایگان متعدد خود را هم در معاضه انواع انرژی با آنها می‌تواند حل کند و در بسته‌های متصله برق، گاز، فراورده‌های نفتی و نفت مبادله جدید بیافریند و با اعتبارات مجازی طرفین نقطه منطقه‌ای و بین‌المللی را سامان دهد. با بخش‌نامه بانک مرکزی و گزارش با هژمونی پولی آمریکایی باید هوشیار بود که بانک‌ها فقط کارگزاری پول مجازی را بر عهده دارند و خالق آن نخواهند بود. باید هوشیار بود که رانت‌خواران و غیرمجازان تجربه مؤسسات غیرمجاز مالی را تکرار نکنند. برای این هوشیاری باید گارد مالی فراسازمانی داشت تا داستان قاچاق سوخت، واردات کالای قاچاق و بالاکشیدن اعتماد و سپرده‌های مردم تکرار نشود. کاری کنیم که این بار قانون پیشاپیش تبهکاران حرکت کند و راه‌های آنان را ببندد.